

بررسی اضطراب تأثیرپذیری سعدالدین وراوینی در پیرامتن دیباچه و خاتمه مرزبان نامه براساس نظریه اضطراب تأثیر هارولد بلوم

سارا برامکی^{۱*}، حکیمه دبیران^۲، فرامرز خجسته^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۱، صص ۳۴-۱۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7463>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: براساس نظریه اضطراب تأثیرپذیری هارولد بلوم، میان شاعران متأخر با شاعران گذشته، به دلیل دیرآمدگی شاعر متأخر، همواره رابطه دیالکتیکی ستیزه‌جویانه‌ای بر محور قدرت تأثیر شاعرانه استوار است و شاعر متأخر با بدخوانی خلاقانه آثار ادبی گذشتگان به‌عنوان مکانیزم دفاعی خودآگاه یا ناخودآگاه، در جستجوی راهی برای رهایی از این اضطراب تأثیر و دستیابی به هویتی مستقل و آفرینش سبکی جدید است. این نظریه علاوه بر شعر، دیگر متون خلاقانه را نیز دربرمیگیرد.

این پژوهش تلاش میکند تا با بررسی تحلیلی ساختار و محتوای دو پیرامتن دیباچه و خاتمه کتاب مرزبان نامه براساس نظریه اضطراب تأثیرپذیری هارولد بلوم به این پرسش پاسخ دهد که باتوجه به شهرت کلیله و دمنه در زمان نگارش مرزبان نامه و متأخر بودن مرزبان نامه نسبت به آن، سعدالدین وراوینی چگونه از دیباچه و خاتمه کتاب برای رهایی از اضطراب تأثیر حاصل از اقتدار نصرالله منشی و جباریت کلیله و دمنه بر گستره متون نثر ادبی، استفاده میکند؟

روش‌ها: پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان میدهد که شباهت‌های ساختاری و سبک داستان در داستان و تمثیلی بودن مرزبان نامه و کلیله و دمنه، تقدم زمانی کلیله و دمنه و محبوبیت و شهرت آن در زمان نگارش مرزبان نامه سبب شده است تا وراوینی به دلیل اضطراب تأثیرپذیری از کلیله و دمنه، علاوه بر بدخوانی خلاقانه یعنی هنروزی‌های خلاقانه محتوایی و زبانی در ترجمه متن، در دو پیرامتن دیباچه و خاتمه کتاب نیز فرصت را مغتنم شمرد و درباره ابداع و اختراع بودن کتاب و عدم استفاده از فکر و اندیشه سخنوران برجسته متقدم و معاصر خود داد سخن دهد و در نهایت مرزبان نامه را بر کلیله و دمنه و به صورت نامحسوس خود را بر نصرالله منشی برتر بداند.

نتیجه‌گیری: از این رو، وراوینی در دیباچه و خاتمه مرزبان نامه، از طریق انتساب خود به طبقه فضلا و صاحبان هنر، اظهار فضل به دلیل احاطه بر شاهکارهای نثر فارسی متقدم بر مرزبان نامه، تأکید بر گزیده‌گویی، عبارت-پروری و سخن‌آرایی در مرزبان نامه و تأکید چندباره بر عدم تقلید و استفاده از فکر و معانی دیگر صاحبان سخن، مرزبان نامه را دارای سبکی منفرد و کم‌نظیر میدانند. او با زیرکی و درایت ابتدا کلیله و دمنه را از دیگر آثار نثر متقدم برتر میدانند اما در نهایت با خرده‌گرفتن بر کلیله و دمنه به دلیل جهان‌شمولی و عام بودن مخاطب آن، مرزبان نامه را بر کلیله و دمنه و همه متون متقدم برتر میدانند و از این طریق در جستجوی جایگاهی ویژه برای خود و کتابش، رهایی از دلهره تأثیرپذیری و بیرون آمدن از زیر سایه اقتدار آنها است.

تاریخ دریافت: ۱۶ آبان ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۷ آذر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۵ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۸ بهمن ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

اضطراب تأثیرپذیری، هارولد بلوم، دیباچه و خاتمه مرزبان نامه، کلیله و دمنه.

* نویسنده مسئول:

s.baramaki.emp@hormozgan.ac.ir

۰۰۰۳۳۷۱۱۰۰۰ (۹۸ ۷۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the Anxiety of Influence of Saad Al-Din Varavini in Paratext of the Preface and Conclusion of Marzbannameh Based on Harold Bloom's Anxiety of Influence Theory

S. Baramaki*¹, H. Dabiran², F. Khojasteh¹

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 November 2023

Reviewed: 08 December 2023

Revised: 26 December 2023

Accepted: 08 January 2024

KEYWORDS

anxiety of influence, Harold Bloom, preface and conclusion of Marzbannameh, Kalila and Damneh.

*Corresponding Author

s.baramaki.emp@hormozgan.ac.ir

+98 76) 33711000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Based on Harold Bloom's anxiety of influence theory, there is always a dialectical and combative relationship between later poets and earlier poets based on the power of poetic influence due to the lateness of the later poets. According to this theory, later poets look for a way to get rid of this anxiety of influence, achieve an independent identity, and create a new style by a creative misreading of the literary works of the past, as a conscious or unconscious defense mechanism. In addition to poetry, this theory also includes other creative texts.




By the analytical study of the structure and content of the two paratexts of the preface and the conclusion of Marzbannameh based on Harold Bloom's anxiety of influence theory, the present research aimed to answer the question of how Saad al-Din Varavini uses the preface and the conclusion of the book to get rid of the anxiety of influence of the authority of Nasrallah Monshi and the dominance of Kalila and Damneh on the scope of literary prose texts considering the fame of Kalileh and Damneh at the time of writing Marzbannameh and the fact that Marzbannameh was written later.

METHODOLOGY: The present research is a theoretical study that was conducted using library research. The research method was descriptive-analytical.

FINDINGS: The findings of the research showed that the similarities in the story structure and style and allegorical nature of Marzbannameh and Kalila and Damneh and the temporal precedence of Kalila and Damneh and its popularity and fame at the time of writing Marzbannameh inspired Varavini to use the creative misreading, i.e. creative content and language craftsmanship, in the translation of the text due to the anxiety of being influenced by Kalila and Damneh, while he also seized the opportunity in the two paratexts of the preface and the conclusion of the book to talk about the inventiveness of his book and the non-use of the thoughts of the leading and contemporary writers, and finally considered Marzbannameh superior to Kalila and Damneh and himself superior to Nasrallah in a subtle way.

CONCLUSION: Therefore, in the preface and the conclusion of Marzbannameh, Varavini considers Marzbannameh to have a unique and rare style through his attribution to the class of elite and owners of art, pontificating for being a master of masterpieces of Persian prose that precede Marzbannameh, emphasizing felicity, word-arrangement, and elocution in Marzbannameh, and asserting repeatedly not to have imitated and used the thoughts and concepts of other eloquent writers. With shrewdness and tact, he first considers Kalila and Damneh superior to other works of early prose. However, by criticizing Kalila and Damneh given the universality and generality of its audience, he finally considers Marzbannameh to be superior to Kalila and Damneh and all earlier texts, and in this way, he is searching for a special place for himself and his book, getting rid of the anxiety of influence, and stepping out of the shadow of the earlier texts' authority.

DOI: <https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7463>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 0

مقدمه

مرزبان‌نامه در قرن چهارم هجری به قلم اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین، به زبان طبرستانی، نگارش یافت و در نیمه اول قرن هفتم، میان سالهای ۶۲۲-۶۱۷، سعدالدین وراوینی آن را به زبان پارسی دری و به نثر فنی برگرداند. (صفا، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۰۰۸-۱۰۰۵؛ بهار، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۰-۱۴) پیشینه داستانهای مرزبان‌نامه به اعتقاد برخی از پژوهشگران به دوره شاهان ساسانی برمیگردد و ترجمه کلیله و دمنه و موفقیت و محبوبیت آن نزد ایرانیان در شکل‌گیری آن تأثیرگذار بوده است: «در دوره خسرو انوشیروان پس از اینکه کلیله و دمنه به پارسی برگردانده شد و مقبول دانایان ایران افتاد، به این فکر افتادند که اثری در حیطه اخلاق و تعلیم و تربیت، همچون کلیله و دمنه، به وجود آورند که این فکر منجر به خلق هسته اولیه کتابی شد که بعدها مرزبان‌نامه نام گرفت.» (رضایی، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳)

مرزبان‌نامه همچون کلیله و دمنه بر اساس الگوی ساخت داستان در داستان و در ژانر روایت‌های تمثیلی شکل گرفته است و از شیوه نثر فنی بهره برده است. به اعتقاد برخی از پژوهشگران، «سبزه داستان آن، طبق روایت و طرح داستان‌هایی از کلیله و دمنه خلق شده است.» (فولادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۹) از لحاظ محتوا نیز مانند کلیله و دمنه کتابی اخلاقی با رسالت تعلیمی و ابزاری برای القای مفاهیم سیاسی-اجتماعی است. (همان) این همانندیها میان دو کتاب و دیرآمدگی وراوینی نسبت به نصرالله منشی سبب ایجاد و افزایش دلهره تأثیرپذیری مرزبان‌نامه از کلیله و دمنه میشود و وراوینی سعی میکند از یک سو با دخل و تصرفات محتوایی و از سوی دیگر با گزیده‌گویی و ایجاز و استفاده از سبکی خلاقانه و بسیار ادبی (که موضوع این مقاله نیست)، خود را از اضطراب این تأثیرپذیری برهاند. او علاوه بر این، در دیباچه و خاتمه کتاب که فرصتی برای سخن گفتن از خود و سبک نگارش کتاب و چالشها و دغدغه‌ها و دلهره‌های نویسنده است، به شیوه‌های مختلف سعی میکند بر استفاده نکردن از فکر و اندیشه پیشینیان و متفاوت و برتر بودن مرزبان‌نامه از آثار پیش از خود و به‌ویژه کلیله و دمنه تأکید کند.

از این رو، این پژوهش بر آن است تا با بررسی و تحلیل دو پیرامتن دیباچه و خاتمه کتاب مرزبان‌نامه براساس نظریه اضطراب تأثیرپذیری هارولد بلوم به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به شهرت متون برجسته نثر فارسی به‌ویژه کلیله و دمنه در زمان نگارش مرزبان‌نامه و تأثیر این کتاب بر نویسندگان و آثار پس از خود و شباهتهای ساختاری و الگوی داستان در داستان و تمثیلی بودن دو کتاب، سعدالدین وراوینی برای رهایی از دلهره تأثیرپذیری خود از این کتاب و مؤلف آن چه شگردهایی به کار میگیرد؟

هارولد بلوم^۱ (۲۰۱۹-۱۹۳۰) در سال ۱۹۷۳ کتابی با عنوان اضطراب تأثیر، نظریه‌ای در باب شعر^۲ در زمینه نقد شعر منتشر کرد. مهم‌ترین مسئله‌ای که بلوم در این کتاب بر آن تأکید دارد اضطراب و دلهره‌ای است که شاعر یا نویسنده به دلیل متأخر بودن و در نتیجه تأثیرپذیرفتن از شاعران و نویسندگان پیشین به آن گرفتار میشود. به اعتقاد او، «شاعر همواره از خود میپرسد: چگونه شعری نو بگویم، شعری که مانند آن را هیچ‌کس نگفته باشد؟» (بلوم، ۱۹۹۷: ۱۲) به اعتقاد بلوم «این سؤال که همواره در ذهن و زبان شاعران و هنرمندان مطرح بوده است، در ذات خود زاینده نوعی اضطراب و دلهره است؛ دلهره تأثیرپذیری از سنتها، هنرمندان، شاعران یا سبکهای پیشین.» (همان)

از دیدگاه بلوم از آنجا که هیچگاه نمیتوان شاعری را یافت که به‌گونه‌ای از دیگران تأثیر نپذیرفته باشد، در نتیجه

^۱-Harold Bloom

^۲-The Anxiety of Influence; a Theory of Poetry

هیچ شعری را نیز نمیتوان یافت که بتوان آن را «شعر درست» یا «تاب» نامید. از این رو در ذات هر هنرمند و شاعر نوعی تأثیرپذیری پنهان و آشکار از دیگران وجود دارد که موجب اضطراب آنها، حتی بزرگترینشان، میشود. شاعر خوب همواره با این اضطراب زندگی میکند و همین نگرانی باعث خلاقیت و استقلال او میشود. بلوم معتقد است گوینده و نویسنده برای اینکه از این تأثیر و اضطراب بیرون بیاید، باید پدر ادبی خود (شاعر متقدم) را سوءتفسیر یا به اصطلاح «بدخوانی» کند و همین عامل است که سرانجام سبب خلاقیت میشود و در نهایت سبک جدیدی را به وجود می‌آورد. از دیدگاه بلوم «چنین اضطرابی قطعاً سبب نوعی گریز ناآگاهانه و گاه آگاهانه، عامدانه و لجاجت‌آمیز هنرمند و شاعر میشود» (همان: ۱۶). شاعر جوان میکوشد با بدخوانی اثر شاعر متقدم، هم از تأثیر او بکاهد و هم با آفرینش خلاقانه به هویتی مستقل دست یابد. بلوم این نظریه را در آثار دیگری همچون نقشه بدخوانی^۱ (۱۹۷۵)، ساختارشکنی و نقد^۲ (۱۹۷۵) و شعر و سرکوب^۳ (۱۹۷۶) نیز شرح و بسط داده است.

به نظر میرسد بررسی و بازخوانی متون ادبی برجسته بر اساس نظریه هارولد بلوم، میتواند چالشها و دغدغه‌های شاعران و نویسندگان این آثار در رویارویی با اضطراب تأثیرپذیری از متون متقدم و راهکارهای آنها برای رهایی از این دلهره را نشان دهد؛ راهکارهایی که در نهایت سبب آفرینشی خلاقانه و کسب هویت ادبی ویژه برای صاحبان این آثار میشود. یکی از بخشهای مهم و قابل توجه در متون نثر گذشته که میتواند اطلاعات بسیار مفیدی درباره اثر ادبی و نویسنده آن در اختیار مخاطب قرار دهد و نویسنده از آن به‌عنوان دروازه ورود خواننده به متن و برقراری ارتباط با او استفاده میکند، دیباچه و خاتمه متن است. بخشی که ژرار ژنت از آن به‌عنوان پیرامتن نام میبرد و آن را برای ورود خواننده به جهان متن لازم میدانند. به اعتقاد ژنت «یک متن، به ندرت در وضعیتی عریان و بدون همراه است و همواره به همراه تعداد معینی از تولیدات کلامی یا غیرکلامی همانند نام مؤلف، عنوان، پیش درآمد و تصاویر می‌آید.» (مهدی‌پور مقدم، ۱۴۰۱: ۷۴) پیرامتنها، متن‌واژه‌هایی هستند که متن را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دربر گرفته‌اند و برای ورود به جهان متن، همواره باید از ورودی‌ها و آستانه‌هایی گذر کرد که این آستانه‌ها، همان پیرامتن‌ها هستند. (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۰) پیرامتن‌ها «دریافت یک متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل میکنند.» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۸) آنها همچنین «بخشهای مغفول مانده متون را برجسته مینمایند و ارزش ادبی تاریخی آن را به وضوح نشان میدهند. لایه‌های زیرین این پیرامتنها، بسیاری از مسائل را روشن کرده و در پرتو آن، پرسشهای بی‌پاسخ به جواب میرسد و یا پرسشهایی جدید مطرح میشود که همین امر موجب پویایی و رشد علوم و تداوم حیات آن است.» (پیرانی، ۱۳۹۵: ۱۶۹) پیرامتن‌های یک متن عبارت است از: عنوان، عنوان فرعی، نام مؤلف و امضای او، نام ناشر، پیشکشنامه، پی‌نوشت، طرح روی جلد، دیباچه، خاتمه، مصاحبه، تبلیغات و ... که «همانند سیاره‌ها و اقمار آنها، به دور خورشید متن می‌چرخند و در ارتباط با یکدیگر، منظومه متنی را شکل میدهند.» (نامورمطلق، ۱۳۹۵: ۱۹۷)

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و به شیوه متن‌پژوهی ادبی است. فرض پژوهش بر این است که وراوینی در دیباچه و خاتمه مرزبان‌نامه، بر یگانه بودن کتاب و سبک ویژه نگارش آن تأکید دارد و در نهایت کتاب خود را از همه متون نثر متقدم، از جمله کلیله و دمنه، و خود را از نصرالله منشی برتر میدانند و از این طریق سعی میکند خود را از دلهره تأثیرپذیری از کلیله و دمنه برهاند.

^۱- A Map of Mistreading

^۲-Deconstruction and Criticism

^۳ - Poetry and Repression: Revisionism from Blake to Stevens

سابقه پژوهش

قدرت‌الله طاهری و همکار (۱۳۹۲) در مقاله «رابطه نیما با سعدی براساس نظریه اضطراب تأثیر هارولد بلوم» معتقدند که نظریه بلوم می‌تواند تا اندازه‌ای جدالهایی را که میان روشنفکران و شاعران عصر مشروطه به بعد بر سر سلطه ادبی سعدی در گرفته بود، تبیین نماید. به نظر آنان خوانش نیما و نیز برخورد منتقدانه وی با شکل و محتوای آثار سعدی، برای رها کردن خود و ذهنیت عمومی از تأثیر و تسلط مسلم سعدی در آن دوره، مصداق بدخوانی خلاقانه‌ای است که بلوم آن را مطرح می‌کند. عبدالرضا مدرس‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله «رویکرد قرآنی سنایی به قصیده «ابر» فرخی سیستانی (با نگاهی به نظریه بدخوانی خلاق هارولد بلوم)» بر این عقیده است که سنایی، یکی از استقبال‌کنندگان قصیده «ابر» فرخی، بر پایه باورهای عمیق آیینی و فکری خود که برآمده از تحولات تازه سیاسی و اجتماعی قرن ششم است، از ابزار رویکرد قرآنی مدد گرفته است و براساس نظریه بدخوانی خلاقانه هارولد بلوم خود را از اضطراب تأثیر شعر فرخی رهانیده است. عبدالرضا مدرس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر» قصد دارند با استفاده از نظریه اضطراب تأثیر، هنرورزیهای پروین اعتصامی در بیرون آمدن از سایه اضطراب تأثیر شاعران پیش از او را بررسی کنند. آنان معتقدند که پروین اعتصامی با در نظر داشتن تحولات سیاسی و فکری روزگار خود، همه راه شاعری را با شاعران متقدم -و البته مرد- نپیموده است و براساس سبک شخصی خود، مبتکرانه رفتار کرده است. فاطمه نعنافروش و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «تأثیرپذیری از نویسندگان پیشین در شاهکارهای نثر فارسی باتوجه به نظریه اضطراب تأثیر هارولد بلوم» قصد دارند متون نثر فارسی در دوره‌های مختلف را براساس شگردهای رهایی از اضطراب تأثیر بررسی کنند. ایشان نوآوریهای خلاقانه نویسندگان متأخر نثر فارسی را راهکار آنها برای رهایی از اضطراب تأثیر نویسندگان پیشین میدانند. نویسندگان مقاله ضمن اشاره بسیار گذرا به مرزبان‌نامه، معتقدند که وراوینی جایگاه اسطوره‌ای نویسندگان پیشین را می‌پذیرد و خود در مقام یک مقلد باقی می‌ماند. یعقوب فولادی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «مقایسه ساختار مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه با تکیه بر نمود اندیشه هند و ایران باستان» به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود شباهت ساختاری و سبکی دو کتاب، دیدگاه حاکم بر مرزبان‌نامه برخلاف کلیله و دمنه دیدگاهی مثبت‌نگر است و مرزبان‌نامه نه تنها تقلیدی محض از کلیله و دمنه نیست، بلکه تدوینی هدفمند و آگاهانه است.

بحث و بررسی

ذوق و قریحه هنری شاعر یا نویسنده در خلق و آفرینش اثر ادبی تأثیری مهم و بسزا دارد، اما در بنیان و اساس آرا و افکارش می‌توان اندیشه‌ها و تفکرات دیگر نویسندگان و ادبا را جستجو کرد. این مسئله که در نقد ادبی جدید از آن تحت عنوان بینامتنیت^۱ یا رابطه هم‌حضور^۲ میان متنها یاد شده است، در اواخر دهه ۶۰ میلادی، یعنی بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ از طریق بررسی‌های ژولیا کرسٹوا^۳، زبان‌شناس بلغاری-فرانسوی در آثار باختین پایه‌ریزی شد (مکاریک، ۱۳۸۳: ۷۲) و بعدها در سه رویکرد بینامتنی شامل ترامتنیت از ژرار ژنت^۴، نقل قول از

1 - Intertextuality

2 - Copresence

3 - Julia Kristeva

4 - Gerard Jeant

آنتوان کمپانیون^۱ و اضطراب تأثیر از هارولد بلوم ادامه یافت.

ژرار ژنت در ادامه نظریه‌ها و فعالیتهای ژولیا کریستوا، رولان ژنی^۲ و میکائیل ریفاتر^۳، اصطلاح کلیتر و شامل‌تر ترامتنیت^۴ را برگزید. دستگاه تازه و پیچیده‌ای که میکوشد تا همه ارتباطات میان‌متنی را زیر پوشش خود قرار دهد. (نامورمطلق، ۱۳۹۵: ۱۲۱) او مجموعه ارتباطات یک متن با دیگر متون را در پنج حوزه کلی سرمتنیت^۵، پیرامتنیت^۶، بینامتنیت^۷، فرامتنیت^۸ و بیش‌متمنیت^۹ بررسی کرد. ژنت در نخستین صفحه از کتاب الواح بازنوشتنی^{۱۰} درباره این نام‌گذاری و تقسیم‌بندی می‌گوید: «این مسأله ترامتنیت، یا استعلای متنی متن است که بیشتر به‌طور کلان چنین تعریفش کرده‌ام: «هر چیزی که پنهانی یا آشکار، متن را در ارتباط با دیگر متنها قرار می‌دهد.» (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۹۰)

هارولد بلوم از منتقدان صاحب‌نظر در حوزه بینامتنیت، در تعریفی متفاوت، بینامتنیت را زاده «اضطراب تأثیرپذیری» میدانند. به عقیده او «این اضطراب، که سنگ بنای برداشت او از نوشتار ادبی و خوانش انتقادی بود، نه تنها معطوف به ناتوانی در اجتناب از آن چیزی است که بارت «از پیش‌نوشته‌ها و از پیش‌خوانده‌ها» مینامد، بلکه متوجه امتناع نویسندگان و خوانندگان از پذیرش این وضعیت است.» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۹۶) در این برداشت بلوم، هر نوشتاری لزوماً یک «بدخوانی خلاقانه»^{۱۱} از متون پیشین است.

هارولد بلوم معتقد است هر شاعر بزرگ و هر شعر بزرگ یک اتفاق بزرگ است و در همه زمانها همچنان بزرگ باقی میماند. به اعتقاد او شاعران پسین تنها به واسطه آن شاعر بزرگ با آن اتفاق بزرگ پیشین ارتباط برقرار میکنند و به همین دلیل از نظر روانی همواره تحت تأثیر آن شاعر بزرگ‌اند. بر این اساس او دلیل اینکه شاعران بزرگی چون بلیک، وردزورث و کیتس، مدام به‌صورت مستقیم و نامستقیم، به میلتون به‌عنوان مرجعی در شعر بازگشت میکنند را «دیرآمدگی شعر توانا» نام میبرد. او «دیرآمدگی» را تجربه حضور پس از حادثه میدانند. او «حادثه بزرگ» را شعر میلتون میدانند و معتقد است این شعر میلتون است که همه شاعران پس از او را «دیرآمده» میسازد. بنابراین او «دیرآمدگی» را علت اصلی اضطراب شاعران متأخر میدانند؛ اضطرابی که لحظه‌ای آنها را رها نمیکند و سبب میشود که شاعران متأخر همواره در اشعار و آثار خود، به شاعران متقدم که شاهد حادثه بزرگ بوده‌اند، توجه داشته باشند. (بلوم، ۱۹۹۷، ۸۵)

بلوم در کتاب اضطراب تأثیرپذیری به شرح نظریه خود میپردازد. به اعتقاد او شاعران متأخر همواره نگران قرار گرفتن در سایه اقتدار ادبی شاعران متقدم هستند و از اینکه در زمانه خود و در دوره‌های آینده نام و نشانی از آنها باقی نماند، در ترس و هراس به سر میبرند و این ترس و دلهره آنان را ناگزیر از مقابله با متقدمان میکند. به نظر او

1 - Antoine Compagnon

2- Ruland Jeni

3- Michael Riffater

4 - Transtextualite

5 - Arcitextualite

6 - Paratexttualite

7- Intertextualite

8- Metatextualite

9 - Hypertextualite

10- Palimsestes

11 - Misprision

همواره رابطه‌ای دیالکتیکی اما ستیزه‌جویانه بر محور قدرت تأثیر شاعرانه میان آثار ادبی قدیم و جدید استوار است. نظریه اضطراب تأثیر بلوم «با برجسته‌کردن رقابت در مقابل همکاری ادبی، رویکرد جدید و ستیزه‌جویانه‌تری را نسبت به بینامتنیت عرضه میکند. از نظر بلوم تأثیر ادبی، نشان‌دهنده تعامل مهربانانه اکنون و گذشته نیست، بلکه نشانگر نبرد اودیسی شاعران متأخر برای چیره‌گشتن بر متقدمین یا ایجاد تغییر در آنها است.» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۳۸) او همچنین معتقد است شاعران متأخر با «آویزان» شدن به شعر شاعران پیشین، شاعر میشوند. با این حال شاعران جدید برای بدل شدن به «شاعران توانا» - به تعبیر ستیزه‌جویانه بلوم - باید به دو اقدام دست زنند: اشعار آن پیشاهنگ را بازنویسی کنند، و در ضمن از خود در برابر این دانش که صرفاً درگیر فرایند بازنویسی، یا به تعبیر بلوم بدخوانی^۱، بوده‌اند دفاع کنند. به نظر بلوم، شاعران انگاره‌های محوری اشعار گذشته را به کار گرفته، اما آن انگاره‌های از پیش نوشته را به شیوه‌های تازه‌ای دگرگون، بازجهت‌دهی، و بازتأویل کرده‌اند، از این‌رو این توهم را ایجاد میکنند که شعر آنان تحت تأثیر، و بنابراین بدخوانشی از شعر پیشینیان نیست. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۹۴)

به عقیده بلوم میل به تأثیرگذاری تنها انگیزه‌ای است که میتواند توضیح دهد چرا هنوز خواندن و نوشتن در کار است. تأثیرگذار شدن همان حرکت موفق درخلاف جهت زمانه است، زیرا چهره‌ای را به نمایش میگذارد که تأثیرش ایجاد حس نه «دیرآمدگی» بلکه «زودآمدگی» است. به اعتقاد بلوم «شاعر متأخر با هدف کسب هویت مستقل و خارج شدن از زیر سایه پدر متقدم خود، حرکت را آغاز میکند؛ حرکتی درخلاف جهت جریان رایج در میراث عظیم سنت مسلط ادبی. این امر خود اثبات این نکته است که نظریه اضطراب تأثیر و به تبع آن مفهوم بدخوانی خلاق، نه تنها جهت و رویکرد انفعالی ندارد، بلکه در نهایت به آفرینش هنری ختم خواهد شد. این همان بُعد «خلاقه» بدخوانی است.» (طاهری، ۱۳۹۲: ۵۷)

خواننده‌ای که بلوم در ذهن خود دارد شاعر/ناقدی است که میخواند تا بنویسد و بر اضطراب تأثیر عظمت گذشته فائق آید. طلسمی که پدر بر فرزند میبندد، «اضطراب اختگی^۲» و ضرورت محو پدر را تلقین میکند؛ به این ترتیب هر خوانشی سرشار از آرمانی‌سازی، رشک و کشمکش است؛ هر خوانشی انتقالی است؛ زیرا شاعر/ناقد را وسوسه میکند تا همان الگوی رقابتی را که به‌طور تاریخی، الهام‌بخش و مجوز پسران برای برگزیدن از پدرانشان بوده، تکرار کند. پس هر خوانشی نوعی «بدخوانی» است. (مکاریک، ۱۳۸۳، ۳۸) به نظر بلوم «دیرآمدگان» میکوشند تا از طریق بدخوانی خلاق - نوعی بدخوانی تدافعی که از اضطراب‌زایی متقدمین میکاهد - فضایی را آماده کنند تا خود بتوانند در آن دست به آفرینش بزنند. (همان)

بلوم همچنین فهرستی نامتعارف از شش نوع دفاع یا «میزان بازنگرانه» تهیه کرده است. او معتقد بود که بیشتر «شعرهای قدرتمند» سه جایگزینی متوالی دیالکتیکی یا «گذرگاه شعری» را در پیش میگیرند و اجرا میکنند: نخست، شاعر در مقابل تأثیر شاعر متقدم عقب‌نشینی میکند؛ شاعران قدرتمند از طریق «مجازهای جبرانی» به مقابله با «مجازهای تحدیدی» برمیخیزند. او از اصطلاح «خمش» استفاده میکند. به اعتقاد او خمش، نوعی «انحراف» یا «بدخوانی بازنگرانه» است که مناسب هر نوع بدخوانی خلاق است؛ این مفهوم نشانگر مختل‌سازی آغازین بینش شاعر متقدم توسط شاعر جوان است. به نظر او «لوهیت‌زدایی^۳» باب دومین حرکت دیالکتیکی را می‌گشاید؛ این حرکت متضمن کوچک‌شمردن و تهی‌ساختن شاعر متقدم توسط شاعر جوان است. بلوم بر این نکته

1- misreading

2- castration anxiety

3- Kenosis

تأکید میکند که «از میان بردن» قدرتِ شاعر متقدم «در درون خود»، خود را نیز از موضعِ او جدا میکند. بلوم در ادامه از فرایند «اهریمنی‌سازی» توسطِ شاعر متأخر نام میبرد. اهریمنی‌سازی به اعتقاد او فرایندی است که در آن «پادوالایی»^۱ شاعر متأخر در مقابلِ «والایی» شاعر پیشین قرار میگیرد. او «طلب» را آخرین مرحلهٔ تقابلِ دو شاعر میداند که متضمنِ تزکیه و پالایشِ شاعر متقدم است. شاعر متأخر با کاستن از تأثیرِ شاعرِ پیشین مرحلهٔ طلب را انجام میدهد. در این صورت شاعر پیشین به صورت کامل انکار و سرکوب نمیشود، بلکه گویی بارِ دیگر «بازمیگردد» اما این بازآمدن، بازآمدنِ شاعر متقدم در مقامِ «شاعر جوانِ شاعرِ جوان» است. (بلوم، ۱۹۹۷: ۸۸-۸۹؛ ۱۹۷۵: ۴۴-۵۵، مکاریک، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۹)

هرچند بلوم برای شرح نظریهٔ اضطراب تأثیرپذیری از شاعران نام میبرد، اما این تأثیرپذیری خاصِ شعر نیست و هر نوع ادبیِ خلاقانه را در بر میگیرد و همهٔ نویسندگان، شاعران، منتقدان و دیگر پدیدآورندگان آثار خلاقانه را تحت فشار قرار میدهد. در پاسخ به این سؤال که کدام خوانش بدخوانی و کدام بدخوانی خلاقانه است، «باید گفت هر خوانشی از متن مسلط، که به شکلی خلاقانه به شاعر متأخر اجازه دهد تا لحن و صدایی مستقل نسبت به متقدمان اتخاذ کند، «بدخوانی خلاقانه» است و بدخوانی خلاق از ابزارِ است برای رهایی از سلطهٔ تأثیر متقدمان و دستیابی به هویت مستقل ادبی.» (طاهری، ۱۳۹۲: ۵۹) از این رو پدیدآورندگان آثار خلاقانه، تمام تلاش خود را برای کمرنگ کردن تأثیر پدیدآورندگان متقدم بر اثر ادبی و هنری خود و پایین آوردن جایگاه پدیدآورندهٔ متقدم و در نتیجه بالابردن جایگاه و ارزش اثر خود به کار میبرند. او در این مرحله میکوشد تا حرمتِ قدسی شاعر یا نویسندهٔ متقدم را با «اهریمنی‌سازی» بیالاید و او را از جایگاه بلندِ خداوندی به زیر بکشد. او در این مرحله، تلاش میکند تا با اندک و محدود جلوه دادن تأثیرِ شاعر یا نویسندهٔ متقدم و البته نه انکار کامل او، از تأثیر اثرِ متقدم، بر خود بکاهد و با این شیوه هویت مستقلی برای خود و جایگاهی ویژه برای شعر یا هنر خود جستجو کند.

یافته‌های تحقیق

سعدالدین وراوینی دیباچهٔ مرزبان‌نامه را با حمد و ثنای پروردگار آغاز میکند. او سپس به نعت حضرت محمد (ص) میپردازد. چنین مطلع مذهبی در قریب‌به‌اتفاق دیباچه‌های متون نثر این دوره و حتی دوره‌های بعد دیده میشود. وراوینی سپس با پرهیز از زیاده‌گویی‌های غیرلازم، انگشت بر توانایی خود در کسبِ دانش و علوم ادبی و بلاغی مینهد و هنر و توانایی خود در سبکِ ممتازش در ترجمهٔ کتابِ مرزبان‌نامه را به رخ دیگر منشیان میکشد. سپس به روالِ دیگر متون ادبی زمان خود، ممدوح را مدح میکند.

وراوینی که خود از بزرگی و اقتدار نویسندگان متقدم بر خود به‌ویژه نصرالله منشی و حضور قدرتمند کتاب او بر پهنهٔ نثر فارسی آگاه است، با وجود اینکه در دیباچهٔ مرزبان‌نامه، کلیله‌و‌دمنه را در میانِ دیگر متون ادبی، کم‌مانند میداند، اما در سراسر دیباچهٔ مرزبان‌نامه، با اتخاذ شگردهایی زیرکانه و با چیدن مهره‌های شطرنج فضل، دانش و سبکِ نگارشِ برتر کتابش، در برابر دیگر منشیان و نصرالله منشی صفا‌رایی میکند و با آماده کردن ذهنیت خواننده، در نهایت در خاتمهٔ کتاب، مرزبان‌نامه را بر کلیله‌و‌دمنه و دیگر متون نثر برتر میدانند و از این طریق سعی میکند خود را از اضطرابِ تأثیری که در سراسر دیباچه او را احاطه کرده است، رها کند.

¹- counter-sublime

۱. انتساب و ارتباط با طبقه فضلا

یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در پیرامتن‌های مرزبان‌نامه، دانش‌دوستی و اظهار فضلی است که نویسنده به دفعات و به شکل‌های مختلف به آن اشاره میکنند. وراوینی از آغاز دیباچه مرزبان‌نامه بر توانایی‌های علمی و ادبی خود انگشت میگذارد. او با تیزی و ذکاوت تأیید «ارباب قرایح سلیم و طبایع مستقیم» را به‌عنوان معیاری برای تشخیص دشواری تخصص‌داشتن همزمان در دو حوزه نظم و نثر انتخاب میکند و با تأکید بر اینکه بسیاری از طالبان علم از این دو هنر بی‌بهره‌اند، برخورداری خود از این دو صنعت را یکی از خصوصیات برجسته خود میداند و خود را از بسیاری از طالبان علم برتر میداند: «اما بعد، پوشیده نیست بر ارباب قرایح سلیم و طبایع مستقیم که جمع بین صنعتی‌النظم و النثر تعذر دارد، چنانکه روی این مطلوب از بیشتر طالبان در پرده امتناع است، و طبع از ایفاء حق هر دو قاصر.» (مرزبان‌نامه: ۶) وراوینی در بیان بهره‌مند بودن خود از این دو صنعت با انتخاب زبانی پیراسته و استفاده درست و بجا از بهترین واژه‌ها و قراردادن آنها به بهترین شیوه ممکن در محور هم‌نشینی کلام، تلاش میکند برتری خود را نسبت به همه نویسندگان دیگر به خواننده اثبات کند. او تأکید میکند که «از مبادی کار که اوایل غره شهاب بود الی یومنا هذا که ایام‌البیض کهولت است»، برای برخورداری از دانش نظم و نثر تلاش زیادی به‌کار بسته است و در این مدت «عقود منظومات را در عقد اعتبار فحول افاضل» می‌آورده است، و «نقود منثورات را سکه قبول ملوک و اکابر» مینهادد است تا به‌گفته خود، «به‌قدر وسع، این دو کریمه را در حجر ترشح و تربیت چنان برآوردم که راغبان و خاطبان را به خطبتشان بواعث رغبت بادید آمد.» (همان: ۷-۸) وراوینی از یک‌سو اشاره میکند که برای برخورداری از عقود منظومات و نقود منثورات بسیار تلاش کرده است و از سوی دیگر اطلاع میدهد که «عقود منظومات» او مورد تأیید فحول و متخصصان افاضل بوده و «نقود منثوراتش» نیز مورد قبول ملوک و اکابر قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که راغبان و خاطبان این دو صنعت با خواندن چنین نوشته‌ها و سروده‌هایی، انگیزه و رغبتشان برای خواندن این آثار افزایش یافته است.

دومین ویژگی مطالعاتی که وراوینی آن را مایه تفاخر خود میداند، مطالعه سخنان اهل عصر و گذشتگان قریب‌العهد است که او «بمسبار استقصا غور محاسن و مقابح» همه را شناخته است و قدرت تمییز و جدا کردن «خبیثات» این سخنان از «طبیات» آنها را داشته است. این دانایی و تیزی سبب ژرف‌نگری او در آن سخنان شده است و او را به توانایی تشخیص سخن خوب از بد مجهز کرده است: «و بعدما که سخنان اهل عصر و گذشتگان قریب‌العهد را مطالعه کردم و بمسبار استقصا، غور محاسن و مقابح همه بشناختم؛ خبیثات را از طبیات دورانداختم و ابکار را از ثبیات تمیز کردم و احتواء نظر بر رکیک و رقیق و جلیل و دقیق حاصل آمد. بعضی از آن کتب اسمار و حکایات یافتم به سیاق مهذب و عبارت مستعذب آراسته و الفاظ تازی در پارسی به حسن ترکیب و ترصیف استعمال، و جمال آن تصنیف فی ابهی ملبس و اشتهی منظر بر ابصار اهل بصیرت جلوه داده.» (همان: ۸-۹)

وراوینی سپس به معرفی و نقد منابع مطالعاتی خود میپردازد؛ کتابهایی که برجسته‌ترین و مشهورترین آثار نظم و نثر فنی و مصنوع در زمان خود بوده‌اند و از تلفیق انواع صنعت پردازی با معانی بلند، بهترین شاهکارهای ادب فارسی را رقم زده‌اند. او از آغاز دیباچه با درایت و زبده‌گویی نشان میدهد که معیارهایش برای نویسنده توانا و ویژگی‌های نویسندگی برتر، بسیار بالا است. کتابهایی که از آنها به‌عنوان منابع مورد مطالعه‌اش یاد میکند، متونی هستند که از نظر لفظ و معنی در نوع خود، بهترین‌اند. وراوینی این آثار را نام میبرد و ویژگی‌های نیک و بد آن را به‌صورت بسیار مختصر معرفی میکند؛ به‌عبارت‌دیگر آن آثار را نقد میکند و از این طریق احاطه و تسلط خود را بر سخنان دقیق و رکیک آنها به مخاطب نشان میدهد و از سرآمدی خود و صاحب‌نظر بودن خود در موضوع کتاب

خبر میدهد. او هر اثر را همراه با نام نویسنده آنها معرفی میکند و کتاب را نقد میکند. وراوینی از این طریق علاوه بر تفاخر به دانش گسترده خود در موضوع کتاب، اطلاعات بسیار مفیدی درباره آثاری که به این سبک و در این موضوع نگارش یافته‌اند، به خواننده میدهد؛ گویی پیشینه مطالعاتی موضوع کتاب را در اختیار مخاطب قرار میدهد. وراوینی از این آثار کلیله را «اکلیلی مرصع به غرر لالی و دُرر متلالی بر فرق مفاخران براعت» میداند؛ و سندبادنامه را با وجود آنکه «باد قبولش نامیه رغبات را در طبایع تحریک داده‌است و برخواندن آن تحریض کرده، و طایفه‌ای آن را مستحسن داشته»، اما او آن را نه تنها ارزشمند نمیداند بلکه به عقیده او بی‌فایده و ناسودمند است: «عندی لا طائل تحته». وراوینی همچنین عتبه‌الکتبه منتجب بدیعی را مجموعه مکاتباتی میداند که «به بدایع و روایع کلمات و نکات مشحون است، لطف از متانت درآویخته و جزالت با سلاست آمیخته است.» او در ادامه این کتاب ارزشمند را در جایگاهی میداند که با وجود اینکه کتاب محقق، عتبه آن را بسی بوسیده‌اند اما به مراقی غایاتش نرسیده‌اند؛ اما او، خود، با توجه به اینکه در آغاز بحث از احتواء نظر و ژرف‌نگری و تسلط خود بر سخنان اهل عصر و گذشتگان قریب‌العهد سخن گفته است، گویی ادعای رسیدن به این جایگاه را دارد. وراوینی در ادامه عنوان میکند که این اثر چنان ارزشمند است که گروهی خواندن و درک این کتاب را به تنهایی مایه بی‌نیازی و توانایی دبیران دانسته‌اند زیرا «مغنی شیوه‌ایست از طلب غوانی افکار دبیرانه» (همان: ۱۰) و دبیران را از جستجوی افکار زیبای منشیانه در دیگر آثار بی‌نیاز میکند.

وراوینی مقامات حمیدی را اثری مسجع میداند که «اسماع خوانندگان قدحهای ممزوج از قدح و مدح آن را بر نوای اسجاع آن از یکدیگر فراگرفته‌اند.» (همان: ۱۰) او همچون منتقدی تیزبین و نکته‌سنج و بسیار سخت‌گیر به نقد خود ادامه میدهد و «فراید قلاید» رشیدالدین وطواط را گوهری میداند «که گوش و گردن آفاق بدان متحلی است و خواطر ذوی‌الالباب از فضالات فضل او ملء‌الآه‌اب و ممتلی است.» (همان) وراوینی نفثه‌المصدر شرف‌الدین کاشی را در «ایراد سخن ایجازی از باب اعجاز» میداند و ذیل آن که نجم‌الدین ابوالرضای قمی، آن را نگارش کرده است به عقیده او «به یواقیت نکت و درر امثال مالمال، اطراف آن به آب عذب عبارت شسته و غبار تکلف و تعسف پیرامنش ننشسته.» (همان) وراوینی این کتاب را چنان باارزش و سودمند میداند که میگوید: «شرح خصایل آن ذیل را اگر مذیل کنم به امتداد ایام پیوسته گردد.» (همان: ۱۵) دیگر کتاب‌های مطرح‌شده در دیباچه مرزبان‌نامه عبارت‌اند از: ذره‌الشارق تألیف زین‌الدین بن سیدی زنگانی، رسالات بهاء‌الدین بغدادی و ترجمه یمینی. او همچنین نفثات سحر کلام و مجاجات اقلام امیر خاقانی شروانی را اگرچه از رسوم دبیران بیرون میداند اما معتقد است خاقانی نسبت به خیل فضحاء زمانه چنان برتری دارد که «در آن میدان که او سه طفل بنان را بر نی‌پاره سوار کردی، قصب‌السبق براعت از همه بربودی و گردگام زرده کلکش اوهام سابقان حلبه دعوی بشکافتی.» (همان: ۱۶-۱۷)

وراوینی علاوه بر کتابهای مشهور و شناخته‌شده که در زمان او به‌عنوان نمونه‌های اعلا‌ی نویسندگی و نثرهای منشیانه شناخته شده‌اند، از رسایل دیگری نام میبرد که به مطالعه آنها نیز محظوظ گشته است و این حجم از مطالعه را به‌عنوان برگی زرین بر کارنامه مطالعاتی خود میافزاید. او همچنان بر مطالعه و برخورداری از این آثار تأکید میکند و از این طریق سعی میکند به مخاطب خود اطمینان دهد که با نویسنده‌ای حکیم، باذوق، فصیح، برخوردار از قریحه‌ای خلاق و نکته‌دان روبه‌رو است و از این طریق به او یادآوری میکند که هرچند ممکن است ساختار و الگوی کتاب او با کلیله و دمنه مشابه باشد، اما او مترجمی است که کتاب‌های زیادی از جمله کلیله و دمنه را با دقت و تأمل خوانده است و از این رو با انواع شیوه سخن‌پردازی آشنا است و قطعاً زیر تأثیر آن کتاب قرار ندارد:

« و دیگر رسایل و رقا و فصول از انواع به مطالعه همه محظوظ گشتم و بعد از وقوف بر حقایق آن گرد دقایق مبدعات برآمد و شمیمی از نسیم هریک به مشام آرزو استنشاق کردم. چون نحل بر هر شکوفه‌ای از افنان عبارات نشستیم و از هریک آنچه خلاصه لطافت و مصاصه حلاوت بود، با خلیه خاطر بردم تا از مفردات اجزای آن مرکبی بفرط امتزاج غسل حاصل آمد، که امکان تمییز از میان کل و جزء برخاست.» (همان: ۱۷-۱۸) با این حال او بارها بر نو و بدیع بودن مرزبان‌نامه تأکید میکند و آن را «اختراع» و «بکرآمده غیب» مینامد. او با سوگند یادکردن به دانای آشکار و نهان، به مخاطب اطمینان میدهد که از نهان‌خانه فکرت هیچ صاحب‌سخن متاعی در بار خود نبسته است و هر ذری که در جیب فکر و گریبان سخن نشانده است، از دُرچ مُفکره خویش بیرون گرفته است و هر مرجانی که از آستین عقل و جان ریخته است، از خزانه حافظه خود برآورده است. (همان: ۲۳)

آگاهانه‌بودن و هدفمندبودن ذکر نام امهات کتابهای ادبی با این طول و تفصیل، وقتی بیشتر مشخص میشود که او در ذیل کتاب خود، کلیله و دمنه را نیز با وجود برتری نسبت به دیگر آثار ذکر شده، با آنها در یک کفه ترازو قرار میدهد و همه را از نظر سبک و محتوا در یک گروه و از یک نوع میدانند و مرزبان‌نامه را از همه آنها بهتر و برتر میدانند. به نظر او «این دفاتر که در عجم ساخته‌اند بیشتر فخاصه کلیله، اساسی‌ست بر یک سیاق نهاده و سخنی بر یک مساق رانده» (همان: ۷۳۵) اما نویسنده‌ای چون او که برترین کتابها را خوانده و به مقام تشخیص نیک و بد در آنها رسیده است، هرچند «دیرآمده» است و آن «حادثة بزرگ» یعنی آفرینش کلیله و دمنه را ندیده است اما با تلاش و کسب فضل و دانش نه تنها از «پدر ادبی» خود کمتر نیست که از او برتر است. هرچند او برای نصرالله منشی و کتاب او به دلیل «فضل تقدم» یعنی «زودآمدگی» و حتی «تقدم فضل» رجحانی شایع قائل است اما کلیله و دمنه را از ارائه معانی متنوع و متعدد برای انواع ذوقها ناتوان و از عبارت‌پروری و سخن‌آرایی محروم میدانند. وراوینی کلیله و دمنه را به حدیقه‌ای تشبیه میکند که «اگرچه ذوقها را معسول و طبعها را مقبول باشد، جز یک میوه در آن یافت نمیشود.» (همان: ۷۳۵) اما مرزبان‌نامه را مشتمل بر «چند نمط از اسالیب سخن‌پردازی و محتوی بر چند شیوه از اصناف سخن‌آرایی و عبارت‌پروری» میدانند. (همان: ۷۳۶) او همچنین مرزبان‌نامه را «جنتی پر از الوان ازاهیر معنی و اشکال ریاحین الفاظ و اجناس فواکه نکت و انواع ثمار اشارات میدانند که هر حسی را از افراد آن بهره‌ای و هر ذوقی را از احاد آن نصیبی» است. (همان) او در ادامه به صراحت مرزبان‌نامه را به چند دلیل از جمله آن کتابها و حتی کلیله و دمنه، منفرد و برتر میدانند: ۱. عدم استعمال الفاظ نامستعمل تازی، ۲. عدم استفاده از امثال و اشعار تازی و پارسی کتابهای دیگر و ۳. توانایی بیان یک موضوع در شکلهای تازه و بدیع و غیرتکراری بودن مطالب. به گفته او: «اول آنکه از شوارد الفاظ و بوارد تازیهای نامستعمل... درو هیچ نتوان یافت. دوم آنکه از امثال و شواهد اشعار تازی و پارسی که دیگران در آن کتب ایراد کرده‌اند، چنان محترز بوده که دامن سخن بئفل خاییده و مکیده ایشان باز نیفتاده، والا علی سبیل‌الندره به گل‌های بوییده و دست‌مالیده دیگران اشتمام نکرده. سیم آنکه یک موضوع معنی را بعینه در مواضع بسیار گفته است و به وصفهای گوناگون جلوه‌گری چنان کرده که کلمه‌ای الا ماشاءالله از سوابق کلمات مکرر نگشته.» (همان: ۷۳۶-۷۳۷) این در حالی است که نصرالله منشی این جهانشمولی را مایه نازش و امتیازی برای کلیله و دمنه میدانند. منشی کلیله و دمنه را «کان خرد و حصافت و گنج تجربت و ممارست» میدانند. کتابی بسیار سودمند که همه گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی و سیاسی به آن نیاز دارند؛ چنانکه، «هم سیاست ملوک را در ضبط ملک بشنودن آن مدد تواند بود و هم اوساط مردمان را در حفظ ملک از خواندن آن فایده حاصل تواند شد.» (همان) منشی در خاتمه کتاب یکبار دیگر کلیله و دمنه را بر دیگر کتابهای زمان خود برتر میدانند و دلیل این برتری را جهان شمول بودن کتاب خود میدانند. به نظر او کتب دیگر را

«هواخواهان مخلص و بندگان یک‌دل خوانند، و این مجموع، بنزدیک دوست و دشمن و مسلمان و مشرک و معاهد و زمی مقبول باشد، و تا زبان پارسی میان مردمان مُتداول است، بهیچ تأویل مهجور نگردد.» (کلیده و دمنه: ۴۲۰) او پیش از این در دیباچه نیز به این جهان‌شمولی اشاره کرده بود: «کدام فضیلت از این فراتر که از امت به امت و ملت به ملت رسید و مردود نگشت؟» (همان: ۱۹) بنابراین وراوینی با سوءتفسیر یا تفسیری متضاد از موضوع جهان‌شمولی کلیده و دمنه که منشی به‌عنوان امتیاز کتابش مطرح کرده است، بر کتاب او خرده می‌گیرد و آن را نقطه ضعفی برای آن میدانند.

وراوینی همچنین «خاصیتهای جزوی بسیاری» برای مرزبان‌نامه نسبت به دیگر آثار در نظر دارد که به اعتقاد او تنها «بالغ‌نظران باریک‌بین» به وقت مطالعه دقیق آن کتاب، آنها را درمی‌یابند. او سخن در برتر و یگانه‌دانستن مرزبان‌نامه را به جایی میرساند که دلیل تأخیر در نگارش کتاب را هم‌زمانی با تأسیس دارالکتب ممدوح در شهر تبریز میدانند و این را نشانه اقبال و سعادت‌مندی و بر اساس حکمت و تقدیر میدانند: «معلوم شد که تعبیه تقدیر در تعویق و تأخیر آن همین بود تا خاتمت آن با فاتخت چنین توفیقی که خداوند، خواجه جهان را بتحقیق مقرون شد، هم‌عنان آید و این بضاعت مزجات در مصر جامع تبریز با آن ذخایر سعادت مضاف شود.» (مرزبان‌نامه: ۷۵۰) از این رو با دقت در اظهارات فضل‌های پیاپی وراوینی، میتوان به این نتیجه دست یافت که او همچون پازل‌گردانی ماهر از ابتدا تمام قطعه‌های بازی را به دقت انتخاب و کنار هم می‌چیند تا در نهایت قطعه اصلی را که اثبات برتری کتاب خود بر کلیده و دمنه و بزرگی خود در برابر نصرالله منشی است، رو کند و خود را از اضطراب تأثیرپذیری دیرآمدگی رها کند.

وراوینی همچنین علت نگارش مرزبان‌نامه را بهره‌بردن از مطالعات و اندوخته‌های گرانبهای خود میدانند: «و چون در ملایست و ممارست این فن روزگاری به من برآمد، خواستم که از فایده آن عایدۀ عمر خود را ذخیره‌ای گذارم، و کتابی که در او داد سخن‌آرایی توان داد ابداع کنم.» (همان: ۱۸) او سعی میکند نشان دهد که با آگاهی و بصیرت کامل، بهترین کتاب را برای ترجمه انتخاب کرده است؛ از این رو به مخاطب می‌گوید او تلاش می‌کرده است تا از «عرایس فکر مخترعات گذشتگان مخدره‌ای که از پیرایه عبارت عاطل باشد، به دست‌آید، تا کسوتی زیننده از دست‌بافت قریحه خود درو پوشد و حلیتی فریبنده از صنعت صناعت خاص برو بندد.» (همان: ۱۹) عبارت «عرایس فکر مخترعات» بر انتخاب آگاهانه «بهترین موضوع و بدیع‌ترین معنی» برای ترجمه دلالت می‌کند. این تأکید نشان‌دهنده آن است که تنها صورت و لفظ و صنعت‌پردازی برای وراوینی مهم نبوده است بلکه اساس کار او یافتن فکر و اندیشه‌ای والا بوده است؛ زیرا او، خود، قادر به پوشاندن کسوت زیننده و حلیت فریبنده بر تن آن عروس زیبا بوده است.

۲. استقبال مخاطب از کتاب

سعدالدین وراوینی رغبت و استقبال دیگران از مرزبان‌نامه را به‌عنوان امتیاز کتاب و سبک نویسدگی خود میدانند، اما او تنها به افاضل و اهل هنر و صاحبان ذهن‌های تیز توجه دارد و سخنی از گروه‌های متوسط و مردمان معمولی به میان نمی‌آورد. او بار دیگر تلاش خود برای ترجمه کتابی که مورد اقبال و رغبت «مایه‌داران معنی» و «پیرایه‌بندان هنر» بوده است را مایه فخر و تبختر خود میدانند: «فی‌الجملة از بدایت تا نهایت که دل بر اندیشه این اختراع نهادم و همت بر افتراع این بکرآمده غیب گماشتم، بر هر مایه‌دار معنی و پیرایه‌بند هنر که رسیدم، او را بر اتمام آن مرغب و محرص یافتم.» (همان: ۲۹)

گروه دیگری که وراوینی استقبال آنان از مرزبان‌نامه را به‌عنوان یکی از محاسن کتاب و مایه افتخار خود و هنر نویسندگیش میدانند، طایفه‌ای از اهل علم و ادب در نظامیه بوده‌اند که او آنها را به دو گروه تقسیم میکند: «تورسیدگان عالم معنی» و «بقایای سلفِ افاضل». طایفه‌ای که وراوینی بازگوکردن شیرینی کام آنها از شنیدن بخشهایی از مرزبان‌نامه و شگفتی آنها از سبک و روش کتاب در یک نگاه را «لاف‌زدنی غیرلازم» میدانند: «... و در پی نظام حال، در مدرسه نظامیه از انفاس ایشان که بعضی نورسیدگان عالم معنی بودند و بعضی بقایای سلف افاضل، به اقتباس ایشان تسکینی میدادم، یک دو جزء از این اجزاء در مطالعه این طایفه می‌آوردیم. اگر از استحلاقی که مذاق همه را از خواندن آن حاصل آمد، عبارت کنم و استطرفی که این نمط را نمودند بازنمایم، تکلفی در صورت تصلف من غیرالحاجه نموده باشم. و یکی از آن طایفه که واسطه‌العقد قوم بود و به لطف طبع و سلامت ذوق و دقت نظر و کمال براعت از اهل این صناعت ممتاز، از تماشای سواد آن هرگز سیر نمیشد، و این لفظ، اگرچه بازگفتن آن مستهجن است، بر زبان راند و گفت: و حَقُّ لَهُ أَنْ يُكْتَبَ بِسَوَادِ الْقَلْبِ عَلَيَّ يَا صَاحِبَ الْعَيْنِ.» (همان: ۱۳)

چنین ادعای دانش دوستی و ارتباط با اهل دانش و فضل در کلیله و دمنه نیز به دفعات مشاهده میشود. نصرالله منشی نیز اولین گام برای نشان دادن دانش دوستی و هنرمندی خود و آگاه کردن مخاطب از اینکه با نویسنده‌ای اهل علم و فضل روبه‌رو است را ارتباط و دوستی‌اش با طایفه‌ای از مشاهیر عنوان میکند که به عقیده او «هریک فضلی وافر و ذکری سایر داشتند و به منزلت ساکنان خانه و بطانۀ مجلس بودند.» منشی توضیح میدهد که «او را بر مجالست و دیدار و مذاکرت و گفتار با این گروه چنان اِلْفی تازه‌گشته بود و به مطالعت و مواظبت بر کسب هنر آن میل افتاده بود که از مباشرت اشغال و ملبست اعمال، اعراض کلی میکرد است و غایت نَهْمَتِ خود را بر آن مقصور میداشته، که یکی از ایشان را درمییافته، و ساعتی به مفاوضت او مؤانست میجسته و آن را سرمایه سعادت و اقبال و دولت میشناخته‌است.» (کلیله و دمنه: ۱۶-۱۷) منشی خود را چنان مشتاق و علاقه‌مند به دانش و هنر و مصاحبت با اهل علم و دانش معرفی میکند که خود نگران است، نکند این سخن او «در لباس تصلف (لاف‌زدن) بر خواطر مخاطبان بگذرد.» (همان: ۱۷) از این رو بلافاصله توضیح میدهد که اگر «ضرورت انصاف، نقاب حسد از جمال خویش بکشاید و در آیات براعت، و معجزات صنعتی که کتاب او بر ذکر و اظهار بعضی از آن مشتمل است، تأملی بسزا رود، مشخص می‌شود که تا در تحصیل دانش همتی بلند نباشد و رنج تعلّم تحمل نشود، در سخن که به اعتقاد او شرف آدمی بدان است، این منزلت به دست نمی‌آید.» (همان: ۱۷) او به‌صورت پوشیده خود را دارای این منزلت عالی در سخن میداند زیرا هم در تحصیل، همتی بلند داشته و رنج و سختی تعلیم را تحمل کرده است و هم سخنی ارزشمند و گرانبها ارائه کرده است. او برای نشان دادن شدت علاقه‌مندی خود به دانش و هنر، توضیح میدهد که حتی پس از آنکه «روزگار بر قضیت عادت خویش در بازخواستن مواهب، آن جمع مشاهیر را نیز پراکنده کرده بود و نظام حال آنها گسسته شده بود، او خود را جز به مطالعه کتاب، متهدی نمیدانست.» (همان) از این رو نصرالله منشی از طریق انتساب خود به گروهی از مشاهیر فضلا و تأکید بر همنشینی و مصاحبت با آنها و شور و اشتیاق فراوان برای این مجالست و مؤانست، خود را فردی متفکر و دانش‌دوست معرفی میکند که تنها راه سعادت و دولت را مطالعه کتاب و تحصیل دانش و هنر میدانند. تأکید بیش از حد بر این علاقه‌مندی سبب میشود که مخاطب، سخن نویسنده‌ای را که دوستدار دانش و مجالست با علما باشد، راحت‌تر بپذیرد و میتواند بیشتر به گفته‌هایش اعتماد کند.

سعدالدین وراوینی در ادامه فرایند تربینی مرزبان‌نامه، ثبت نام و ذکر ممدوح در دیباچه مرزبان‌نامه را امتیازی برای ممدوح میدانند نه کتاب؛ زیرا به‌عقیده او این نام ممدوح است که از طریق ثبت در دیباچه کتاب مرزبان‌نامه

مخلد و جاودان میماند: «و نام بزرگوارش از دیباچهٔ مرزبان‌نامه بر روی روزگار مخلد و مورخ میماند. (مرزبان‌نامه: ۳۴) هرچند وراوینی مقام مرزبان‌نامه را برتر از این میدانند و معتقد است «چشمِ اهل زمانه بسواد و بیاض آن روشن‌گردد و طراوت و جدت آنرا اختلاف جدیدین و اتفاق فرقدین باطل نگرداند.» (همان) و به گمان او اگر کسی «از صاف ساغر انصاف نخورده باشد و نشوان این شرابِ مختلف‌الاولان نگشته» باشد، ممکن است که «مذاق حال او برعکس، ادراکی دیگر کند.» (همان) که در این صورت ایراد از آن فرد است نه مرزبان‌نامه. با این تأکید بر مخاطبان ویژهٔ مرزبان‌نامه، وراوینی به‌صورت زیرکانه و بسیار ظریف به این نکته اشاره میکند که هرچند ظاهر دو کتاب به هم شبیه است اما سطح علمی و ادبی مرزبان‌نامه از کلیله و دمنه بسیار بالاتر است و برای افراد عادی و طبقهٔ مردمان معمولی قابل فهم و درک نیست.

۳. سبک نگارش کتاب

سعدالدین وراوینی چنان به دستبافتِ قریحهٔ خود اطمینان دارد که با وجود اینکه ابتدا تنها کتاب کلیله و دمنه را همتای آن میدانند: «درعجم ماعدای کلیله و دمنه کتابی دیگر مشحون به غرایب حکمت و محشو به رغایب عظمت و نصیحت، مثل آن نساخته‌اند.» (همان) اما چنانکه ذکر شد در ذیل کتاب، مرزبان‌نامه را از کلیله و دمنه و دیگر متون نثری که پیش و پس از آن آفریده شده است، برتر میدانند. وراوینی دلیل گمنام‌بودن مرزبان‌نامه را نداشتن پیرایهٔ هنر و ظاهر ناآراستهٔ آن میدانند. به عبارت دیگر کسوتِ زیننده‌ای که وراوینی بر تن این مخدره پوشانده است، سببِ رعنائی و زیبایی و جهان‌آرایی آن خواهد شد: «و پنداری این عروس زیبا که از درون پرده خمول بماند، و چون دیگر جواری منشآت در بر و بحر سفر نکرد و شهرتی لایق نیافت، هم از این جهت بود که چون ظاهری آراسته نداشت، دواعی رغبت از باطن خوانندگان بتحصیل آن متداعی نیامد.» (مرزبان‌نامه: ۲۰-۲۱) از این‌رو از همان زمان میان طلب در میبندد و از پای نمینشیند، تا آن «گنج‌خانهٔ دولت» را به دست می‌آورد. به گفتهٔ خودش: «زوایای آن همه بگردیدم و خبایای اسرار آن بنظر استیصار، تمام بدیدم و طلسم ترکیب آن ازهم فرو گشادم، و از حاصل همه ملخصی ساختم، باقی انداختم.» (همان: ۲۲)

نصراً الله منشی نیز در دیباچهٔ کلیله و دمنه اذعان میدارد که این کتاب را پس از ترجمهٔ پسر مقفع و نظم رودکی، ترجمه‌ها کرده‌اند و هر کس در میدان بیان، بر اندازهٔ مجال خویش، قدمی گذارده، لیکن «مینمایاند که مراد ایشان، تقریر سَمَر و تحریر حکایت بوده است نه تفهیم حکمت و ایضاح موعظت.» (کلیله و دمنه: ۲۵) اما او تلاش کرده تا «شرایط سخن‌آرایی در تضمین امثال و تلفیق ابیات و شرح رموز و اشارات تقدیم نموده آید.» (همان: ۲۵) منشی کلیله و دمنه را «مردۀ هزار ساله‌ای» (همان) می‌داند که او از طریق ترجمه، آن را حیات بخشیده است.

وراوینی در ادامه به شیوه ترجمه و نگارش کتاب اشاره میکند: «پس آن صحیفهٔ اصل را پیش نهادم و بعبارت خویش نقل کردن گرفتم و مشاطهٔ چرب دست فکرت را در آرایش لعبتان شیرین شمایل دست برگشودم.» (مرزبان‌نامه: ۲۳) او در ادامه تأکید میکند که برای ترجمه و شرح مرزبان‌نامه از هیچ کس کمک نگرفته است و همه هنرنمایی قریحهٔ بلند و توانای اوست: «و دانای نهان و آشکار میدانند که از نهان‌خانهٔ فکرت هیچ صاحب سخن متاعی در بار خود نبستم؛ هر دُری که در جیب فکر و گریبان سخن نشاندم از دُرّج مُفکرهٔ خویش بیرون گرفتم؛ و هر مرجانی که در آستین عقل و جان ریختم، از خزانهٔ حافظهٔ خود برآوردم.» (همان: ۱۲) و به انصاف که مجموعهٔ این دُرّ و مرجانها را به نیکویی هرچه تمام‌تر به رشتهٔ جان کشیده است و گردنبندی لایق بر گردن تاریخ چندصدسالهٔ نثر فارسی آویخته است. حسین خطیبی در کتاب فن نثر در ادب پارسی (۱۳۶۶: ۵۰۸) دربارهٔ سبک نگارش مرزبان‌نامه

چنین مینویسد: «در نثر مرزبان‌نامه کمتر لفظی است که کلمات و ترکیبات را با توجه به صنایع بدیعی با نواندیشی و تنوع، در قرائن پیاپی، در برابر یکدیگر به‌گونه‌ای قرار دهد که اگر کلمه یا ترکیبی از محل خاص خود برداشته شده و مترادفی به جای آن گذاشته شود؛ نه همان نظام لفظی، بلکه رشته پیوسته معانی نیز از هم بگسلد.» خطیبی نثر مرزبان‌نامه را به رشته‌ای تشبیه میکند که «گوهرهای ثمین و رنگارنگ، با تناسب و دقت، در کنار یکدیگر قرار گرفته و ارزش و زیبایی الوان مانع از آن نیست که رشته پیوسته معنی، هرچند باریک و ظریف از ورای آن دیده شود؛ بلکه لفظ و معنی چنان به یکدیگر درآمیخته است که بدون توجه به معنی، دقت و ظرافت لفظ، و بی‌نگرش به تناسب الفاظ، ارتباط معانی دانسته نمیشود.»

نتیجه‌گیری

دیباچه و خاتمه/ذیل متون نثر فنی و مصنوع به‌عنوان دو پیرامتن مهم، نقش ویژه‌ای در معرفی تواناییهای مؤلفان و مترجمان آنها و نشان دادن نبوغ و دانش علمی و ادبی ایشان دارند. مؤلفان این آثار با آگاهی از این مسئله از این دو پیرامتن برای مفاخره و به‌رخ‌کشیدن نبوغ و قریحه خود به دیگر نویسندگان متون نثر ادبی و تشویق مخاطب برای خواندن و همراهی با کتاب استفاده میکنند. در مرزبان‌نامه، با توجه به شباهتهای ساختاری به کلیله و دمنه و سبک داستان در داستان و تمثیلی بودن روایتهای دو کتاب، «دیرآمدگی» وراوینی نسبت به نصرالله منشی، شهرت کلیله و دمنه در زمان نگارش مرزبان‌نامه و دلهره وراوینی از اینکه خوانندگان، کتاب او را تقلیدی صرف از کلیله و دمنه بدانند که زیر تأثیر ذکاوت و قدرت سخن‌سرایی نصرالله منشی پدید آمده باشد، این تلاش رنگ دیگری به خود میگیرد و او از این دو پیرامتن برای رهایی از دلهره تأثیرپذیری از نصرالله منشی و بیرون آمدن از زیر سایه قدرتمند شهرت کلیله و دمنه و مترجمش استفاده میکند.

از این‌رو به‌نظر میرسد وراوینی با زیرکی ساختار کتاب خود را دقیقاً مشابه ساختار کلیله و دمنه انتخاب میکند اما برخلاف کلیله و دمنه که دیباچه‌ای با طول و تفصیل دارد، او اساس کار خود را بر ایجاز و صنعت‌پردازی قرار میدهد و با انتخاب دقیق و آگاهانه واژه‌ها در بهترین مکان محور هم‌نشینی و جانشینی کلام، تلاش میکند با خلاقیت، سبکی نو و متفاوت با کلیله و دمنه ارائه کند؛ سبکی زیبا که در آن گویی کلمات بر صفحه کاغذ میرقصند و ترکیب آنها در کنار هم در زیباترین و متناسبترین حالت ممکن قرار گرفته است. او از سوی دیگر با تأکید فراوان از آغاز دیباچه تا پایان خاتمه، بر دانش‌دوستی و مطالعه و دوستی با اهل ادب و هنر و آگاهی و احاطه کامل بر برجسته‌ترین کتابهای ادبی متمرکز میشود. وراوینی هرچند ابتدا کلیله و دمنه یعنی آن «حادثه بزرگ» که در غیاب او اتفاق افتاده است را از دیگر آثار نثر برتر میدانند، اما در طول دیباچه ذهنیت خواننده را برای باور به اینکه با نویسنده‌ای دانشمند سروکار دارد که متون بسیاری از جمله کلیله و دمنه را خوانده و در زمینه آن کتاب به درجه اجتهاد و نقد رسیده است، آماده میکند و در نهایت با خرده‌گیری بر آن «متن مقدس» ضربه نهایی را فرود می‌آورد و مرزبان‌نامه را از آن برتر و منفرد میدانند. به‌عبارت دیگر میتوان گفت هدف وراوینی در دیباچه و خاتمه کتاب، تنها ستایش کلیله و دمنه و وصف و تمجید از مرزبان‌نامه نیست؛ بلکه مقصودش نشان دادن برتری خود و کتابش بر منشی و کلیله و دمنه و تصاحب جایگاهی ویژه برای خود در پهنه متون نثر فارسی است.

این اضطراب تأثیر البته در سخنان نصرالله منشی نیز به‌چشم می‌خورد. برای او نیز پیشگام بودن برای خلق حادثه‌ای بزرگ در نثر، به‌ویژه در شرایطی که سنت چندصد ساله شعر فارسی، پشت سر او قرار دارد و شاعرانی قدرتمند در ادبیات فارسی ظهور کرده‌اند و طبایعی که به شعر مایل‌ترند تا نثر، همگی سبب اضطراب و دلهره‌ای در او یا هر

نثرنویس دیگری، هرچند بسیار توانمند، میشود. رنگ و بوی این اضطراب را در اظهار فضلهای مکرر و رجزخوانی‌های پرتکرار او در دیباچه و خاتمه کتابش میتوان دید. اما اضطراب و فشار روانی ناشی از ترس بدنامی تأثیرپذیری و راویینی از نصرالله منشی - باتوجه به موقعیت و راویینی یعنی حضور کلیله و دمنه و محبوبیت و موفقیت آن، شباهت ساختاری و محتوایی با آن و وجود دیگر آثار بزرگی که و راویینی پیش از شروع متن اصلی کتاب، عامدانه از آنها نام میبرد و قصد دارد خیالی خواننده را از این بابت راحت کند که او همه آنها را خوانده و بر نیک و بد آنها آگاه است - در مرزبان‌نامه بیشتر به چشم میخورد و و راویینی نیز تمام تلاش خود را در این دو پیرامتن برای کم کردن این اضطراب به کار میبرد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت سرکار خانم دکتر سارا برامکی از دانشگاه هرمزگان و سرکار خانم دکتر حکیمه دبیران از دانشگاه خوارزمی و آقای دکتر فرامرز خجسته از دانشگاه هرمزگان که با گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی در این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از سردبیر محترم نشریه و همینطور داوران گرانقدر که با بذل وقت و انرژی به بررسی مقاله مذکور، میپردازند، بسیار سپاسگزارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Allen, Graham. (2006). *Intertextuality*. Translated by Payam Yazdanjo. Tehran: Markaz. P120.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1994). *Stylistics (the history of the development of Persian prose)*. Volume 3. Tehran: Amir kabir. P453.
- Pirani, Mansour. (2016). "Threshold texts in connection with comparative literature". *Comparative literature researches*. No 3. pp. 167-196.
- Bloom, Harold. (1997). *The Anxiety of influence; a theory of poetry*. Second edition. New York: Oxford University press. P208.
- (1975). *A map of Misreading*. New York: Oxford University Press. p 240.
- Mahdipour Moghadam, Zahra and others. (2022). "Paratextual analysis of the signature of "Asadullah Esfahani" on Safavid-era swords". *Biannual scientific journal of Islamic art*. ninth period. No23. pp 71-87.
- McCarrick, Irnarima. (2004). *Encyclopedia of contemporary literary theories*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Agah Publications. P 600.
- Modareszadeh, Abdolreza. (2014). *Sanai's Qur'anic approach to Farrokhi Sistani's ode "Cloud" (with an approach to Harold Bloom's theory of creative misreading)*.

- Quarterly Journal of Literary-Quranic Researches. Year 3. Number 2. Summer. pp. 117-97.
- Modares zadeh, Abdulreza and others. (2015). The femininity of didactic literature; the factor liberating Parvin Etsami from the anxiety of influence. Year 8. No. 29. pp. 120-91.
- Monshi, Nasr Allah. (2009). Kelileh and Demneh. Correction and explanation of Mojtaba Minavi. Tehran: Sales publication. p 456.
- Namvar Motlaq, Bahman. (2007). Tretextuality; the study of the relationships of a text with other texts. Research journal of humanities. No. 56. pp. 83-98.
- (2015). Intertextuality: from structuralism to postmodernism. Tehran: Sokhan publication. P445.
- Na'naforoush, Fatemeh and others. (2015). Being influenced by previous writers in Persian prose masterpieces according to Harold Bloom's anxiety of influence theory. Journal of the stylistic of Persian poem and prose. Year 9. No 3. pp. 101-118.
- Fuladi, Yaqoub and others. (2019). Comparison of the structure of Marzbannameh and Kalila and Damneh based on the expression of ancient Indian and Iranian thought. Biquarterly Journal of Subcontinental Studies, University of Sistan and Baluchistan. Year 12. No 38. pp. 177-194.
- Khatibi, Hossein. (1987). Prose technique in Persian literature. Tehran: Zovar Publications. P638.
- Rezaei, Mehdi. (2010). Marzbannameh, A souvenir from Sassanid Iran. Persian language and literature research journal (Gohar Goya). No. 13. pp. 47-68.
- Safa, Zabih-ollah. (1990). History of literature in Iran. Volume 2. Edition 10. Tehran: Ferdous. P1145.
- Taheri, Qodrat-ollah and others. (2012). Nima's relationship with Saadi based on Harold Bloom's anxiety of influence theory. Quarterly Journal of Literary Researches. Year 10. No 42. Winter. pp. 53-80.
- Varavini, Saad d. (2010). Marzban Namah. due to the efforts of Khalil Khatib Rahbar. Tehran: Safi Alisha Publications. P795.

فهرست منابع فارسی

- آلن، گراهام. (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز. ص ۱۲۰.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی). ج ۳. تهران: امیرکبیر. ص ۴۵۳.
- پیرانی، منصور. (۲۳۱۰). «متنهای آستانه‌ای در پیوند با ادبیات تطبیقی». پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، شماره ۳. صص. ۱۹۷-۱۶۷.
- خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). فن نثر در ادب پارسی. تهران: انتشارات زوار. ص ۶۳۸.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲. چاپ دهم. تهران: فردوس. ص ۱۱۴۳.
- طاهری، قدرت‌الله و دیگران. (۱۳۹۲). «رابطه نیا با سعدی براساس نظریه اضطراب تأثیر هرولد بلوم». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. سال ۱۰. شماره ۴۲. صص ۸۰-۵۳.
- فولادی، یعقوب و دیگران. (۱۳۹۹). «مقایسه ساختار مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه با تکیه بر نمود اندیشه هند و ایران باستان». دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال ۱۲. شماره ۳۸. صص ۱۹۴-۱۷۷.
- رضایی، مهدی. (۱۳۸۹). «مرزبان‌نامه یادگاری از ایران ساسانی». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گويا). ش ۱۳. صص ۶۸-۴۷.

- مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۴). «رویکرد قرآنی سنایی به قصیده «ابر» فرخی سیستانی (با نگاهی به نظریه بدخوانی خلاق هارولد بلوم». فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی. سال ۳، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۷.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا و دیگران. (۱۳۹۵). «زنانگی ادب تعلیمی، ره‌اندنده پروین اعتصامی از اضطراب تأثیر». پژوهش‌های ادبیات تعلیمی. سال ۸، ش ۲۹، صص ۹۱-۱۲۰.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۳). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مه‌ران مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر آگه. صص ۶۰۰.
- مهدی‌پور مقدم، زهرا و دیگران. (۱۴۰۱). «تحلیل پیرامنتی امضای «اسدالله اصفهانی» بر شمشیرهای عصر صفویه». دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی. دوره نهم، شماره بیست و سوم، صص ۷۱-۸۷.
- منشی، نصرالله. (۱۳۸۸). کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. تهران: نشر ثالث. صص ۴۵۶.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها». پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۵۶، صص ۹۸-۸۳.
- (۱۳۹۵). بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم، تهران: سخن. صص ۴۴۵.
- نعنافروش، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۵). «تأثیرپذیری از نویسندگان پیشین در شاهکارهای نثر فارسی با توجه به نظریه اضطراب تأثیر هارولد بلوم». فصلنامه بهار ادب. سال ۹، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۸۰). مرزبان‌نامه. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه. صص ۷۹۵.

معرفی نویسندگان

سارا برامکی: مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

(Email: baramaki.emp@hormozgan.ac.ir; نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0006-4134-5189)

حکیمه دبیران: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

(Email: dabiran@khu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4209-3711)

فرامرز خجسته: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

(Email: faramarz.khojasteh@hormozgan.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6307-5101)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Sara Baramaki: Lecturer in the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.

(Email: baramaki.emp@hormozgan.ac.ir; Responsible author)

(ORCID: 0009-0006-4134-5189)

Hakime Debiran: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

(Email: dabiran@khu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4209-3711)

Faramarz Khojasteh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran.

(Email: faramarz.khojasteh@hormozgan.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6307-5101)